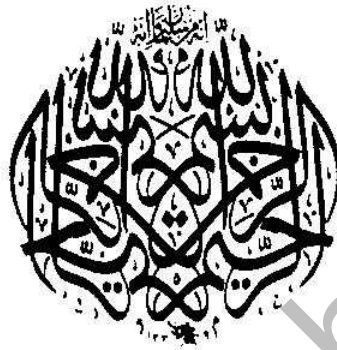




دیوان جہانی اردبیلی (قرن ۱۱ و ۱۲ ه. ق.)

(جنگ نامہ ترکی و اشعار نرسی)

مقدمہ و تصحیح: سعدالہ دنیوی منٹو

انتشارات یابلق

سرشناسه	: جنونی اردبیلی، قرن ۱۱ ق.
عنوان قراردادی	: دیوان
عنوان و نام پدیدآور	: دیوان جنونی اردبیلی (قرن ۱۱ و ۱۲ ه.ق.) / شاعر جنونی اردبیلی؛ مقدمه و تصحیح
سعداله دنیوی مغاللو.	
مشخصات نشر	: اردبیل: یایلیق، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۴۳۶ ص.
شابک	: ۳۱۷۰۰۰ ریال: ۹-۳۲-۷۴۷۰-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: برخی از اشعار کتاب حاضر به زبان ترکی است.
یادداشت	: عنوان دیگر: دیوان جنونی اردبیلی (جنگ‌نامه ترکی و اشعار فارسی).
یادداشت	: نمایه.
عنوان دیگر	: دیوان جنونی اردبیلی (جنگ‌نامه ترکی و اشعار فارسی).
موضوع	: شعر فارسی - قرن ۱۱ ق.
موضوع	: Persian poetry - 17 th century
موضوع	: شعر ترکی -- ایران - قرن ۱۱ ق.
موضوع	: Turkish poetry - Iran-- 17 th century
شناسه افزوده	: دنیوی، سعدال - ۱۳۵۷ - ، مقدمه‌نویس، مصحح
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۶ ، P R۶۱۲۲
رده بندی دیویی	: ۸۱۴ / ۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۷۶۸۷۸۰



عنوان کتاب: دیوان جنونی اردبیلی (جنگ‌نامه ترکی و اشعار فارسی) / شاعر: جنونی اردبیلی
 قرن ۱۱ و ۱۲ ه.ق / تصحیح و مقدمه: سعداله دنیوی مغاللو / انتشارات: یایلیق / با تشکر از خانم
 دکتر آیدا عباسی کلو / طرح جلد: آنامین یایلیغی / صفحه آرای: آنامین یایلیغی / نوبت چاپ: اول
 / سال چاپ: پاییز - ۱۳۹۶ / تعداد صفحه: ۴۳۶ / تیراژ: ۱۰۰۰ / قطع: وزیری / قیمت: ۳۱۷۰۰۰ ریال

isbn: 978-600-7470-32-9

شابک: ۹-۳۲-۷۴۷۰-۶۰۰-۹۷۸

پست الکترونیکی انتشارات یایلیق: ss.donyavi@gmail.com

فهرست:

- ۱- مقدمه فارسی / ۷
- ۲- اؤن سؤز (تورکو جنگ نامه یه گؤره) / ۳۹
- ۳- منابع مقدمات / ۷۱
- ۴- اشعار فارسی دیوان جنونی اردبیلی / ۷۳
- ۵- غزلیات / ۷۵
- ۶- غزلیات / قصه / ۳۱۱
- ۷- قصائد / ۳۱۹
- ۸- قطعات / ۳۵۳
- ۹- ترجیع بند / ۳۶۵
- ۱۰- مخمس / ۳۷۱
- ۱۱- رباعیات / ۳۷۹
- ۱۲- تک بیت ها / ۳۸۷
- ۱۳- جنگ نامه ترکی / ۳۸۹
- ۱۴- آدلار: اعلام / ۴۰۹

بسم الله الرحمن الرحيم

شعر من در زندگی گر خوار باشد باک نیست

می‌رسد روزی که این آثار می‌گردد عزیز

اطلاعات موجود در کتابهای مهم و یک سایت معتبر، راجع به جنونی اردبیلی:

۱- الذریعه الى تصانیف الشیعه، آقا بزرگ طهرانی، بخش اول، جلد نهم:

(دیوان جنونی اردبیلی) فارسی للشاعر الادیب جنونی نزیل اردبیل فی (۱۱۰۷) کما یظهر

من شعره. توجد دیوان الممتن علی الغزل و الترجیع و القصائد و الرباعیات فی (۳۲۵۴

بیت) فی (۱۵۶ ص) من مئمة فی «جنگ‌نامه» المنظومة التركیه فی مکتبة (سلطان القرائی).

اوله:

چه از خلوت به صحرا جلوه‌گر شد حس بی‌وا

به سر هر ذره را سودای شور و عشق شد پیدا

و آخره:

جنونی محور روی دلستان خود چه می‌داند

که مجنون است می‌آید برش یا رود بلی

و در پاورقی چنین آمده است:

و قد فاتنا ذکر جنگ‌نامه فی محله و فیه مناظره بین الاخلاص و الصدق مبدوءة بالحمد لله و

الصلاة علی النبی و الوصى. و قد نظمه احمد الکرمانی حدود (۹۸۰).

همانگونه که از نوشته‌های این اثر پیدا است، اطلاعات صاحب این اثر نیز راجع به جنونی از اطلاعات موجود در دیوان جنونی که در کتابخانه سلطان القرائی دیده به دست آمده است.

بعد از این اثر ارزشمند، هر محقق که خواسته راجع به جنونی اطلاعاتی ارائه نماید به نوشته‌های الذریعه استناد کرده است، ما تعدادی از آثار این محققان را در ذیل معرفی کرده و به مطالبشان در مورد جنونی اردبیلی اشاره می‌نماییم. البته قابل ذکر است این آثار گاهی مطالبی بیش از نوشته‌های کتاب الذریعه ارائه کرده‌اند که ظاهراً بر اساس گمان است.

۲- تاریخ اردبیل و دانشمندان، فخرالدین موسوی اردبیلی نجفی، جلد اول، صفحه ۱۷۰:
جنونی اردبیلی: شاعر و ادیب بوده به سال ۱۱۰۷ در اردبیل اقامت گزیده، آن طوری که از اشعارش استفاده می‌شود. اشعارش شامل غزلیات و ترجیع و قصائد و رباعیات و در حدود ۳۲۵۴ بیت است. دیوان جنونی با جنک‌نامه منظومه ترکیه در کتابخانه سلطان القرائی موجود است.

آغاز:

چه از خلوت به صحرا جلسه‌گر شد حسن بی‌پروا
به سر هر ذره را سودای شور و مشت شد پیدا

آخرش:

جنونی محور روی دلستان خود چه می‌داند
که مجنون است می‌آید برش یا می‌رود لیلی

بر گرفته از الذریعه ج ۹: ۲۰۶.

* نوشته فوق، ترجمه همان متن عربی کتاب الذریعه است.

۳- تذکره شعرای آذربایجان، محمد دیهیم، جلد اول، ص ۳۹:

جنونی یکی از شعرای فاضل و دانشمند بود و در سده دوازدهم هجری قمری زندگی می‌کرد. مؤلف الذریعه درباره او چنین می‌نویسد: (جنونی اردبیلی سه هزار و دویست و پنجاه و چهار بیت شعر فارسی و ترکی دارد. دیوانش به جنگ‌نامه معروف است و آن را در کتابخانه سلطان قرائن تبریز دیده است)

این ابیات از اوست:

چه از خلوت به صحرا با باده گشتن
حسن بی‌پروا به سر راه زره را سودای شور و عشق شد پیدا
جنسونی محو روی دلستان خود نه می‌کرد
که مجنون است می‌آید برش یا می‌رود لیلی

سخنوران آذربایجان ص ۲۸- الذریعه ج ۹ ص ۱۰۶

۴- مفاخر آذربایجان، عقیقی بخشایشی، جلد سوم:

جنونی اردبیلی (زنده در ۱۱۰۷): جنونی اردبیلی از شعرا و سخنوران رایل قرن دوازدهم هجری قمری است. وی به سال ۱۱۰۷ در اردبیل زنده و در حال حیات بوده است. از آثار او: در تذکره (الذریعه) درباره دیوان جنونی چنین آمده است (جنونی اردبیلی سه هزار و دویست و پنجاه و چهار بیت شعر فارسی و ترکی سروده است. دیوانش به جنگ‌نامه ترکی معروف است و آن را در کتابخانه سلطان القرائن تبریز دیده است).

از اشعار او:

چه از خلوت به صحرا جلوه‌گر شد حسن بی‌پروا
به سر هر ذره را سودای شور و عشق شد پیدا
جنونی محو روی دلستان خود چه می‌داند
که مجنون است می‌آید برش یا می‌رود لیلی
به نقل از:

الذریعه ج ۹، ص ۲۰۶-۲۰۷/ سخنوران آذربایجان، ج اول، ص ۲۸/ تذکره شعرای
آذربایجان، جلد اول ص ۳۹

۵- اردبیل در گذرگاه تاریخ بابا صفری، جلد ۳، صفحه ۳۱۳:

جنونی اردبیلی، از سخنران قرن نوزدهم هجری است. مردی ادیب و شاعر بوده و در
غزل و ترجیع بند و قصیده و رباعی توانایی قابل تحسینی داشته است. در ۱۱۰۷ از
گفته‌های خود دیوانی تنظیم نموده که بنا به نوشته (الذریعه) حاوی ۳۲۵۴ بیت شعر
می‌باشد. و مؤلف الذریعه آن دیوان را، منضم به یک جنگ‌نامه ترکی در کتابخانه (سلطان
القرائی) در تبریز دیده است. جنونی این دیوان را با این بیت
چه از خلوت به صحرا جلوه‌گر شد حسن بی‌پروا
به سر هر ذره را سودای شور و عشق شد پیدا

آغاز کرده و با این بیت به پایان رسانیده است.

جنونی محو روی دلستان خود چه می‌داند
که مجنون است می‌آید برش یا می‌رود لیلی

۶- فرهنگ سخنوران، ع. خیامپور، صفحه ۱۳۸

در این کتاب که فهرستوار به نویسندگان، کتابها و نسخ اشاره گردیده است، راجع به جنونی آمده است:

جنونی اردبیلی [...] ز ۱۱۰۷ / بزرگ، ط (الف)، ۲۰۶-۲۰۷

در مقدمه توضیح داده شده است: آنجا که یکی از مشخصات اسمی یا تاریخی شاعر معلوم نبوده به جای آن سه نقطه گذاشته شده است مانند [...] -... -...
* ط (الف) علامت بخش اول از جلد نهم؛ و بزرگ نمایانگر نام آقا بزرگ تهرانی است.

۷- فهرست مستند اسامی مشاییر و مؤلفان، جلد اول (آ-س)، شهره دریایی و مرضیه هدایت:

جنونی اردبیلی، قرن ۱۱

۸- فهرستواره نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، نمایه فهرست، جلد‌های ۲۵ و ۲۶ و ۳۵ تا ۳۸، نویسنده: علی صدرایی خوئی، صفحه ۲۷۷:

جنونی اردبیلی / جنگنامه (۷۸۰۲) ۲۶/۲۸۶، دیوان اشعار: (۷۸۰۱) ۲۸۵/۲۸۶

۹- در سایت آقا بزرگ که بانک اطلاعاتی کتب و نسخ خطی است در صفحه مجلس در مورد دیوان جنونی چنین آمده است:

(جنونی اردبیلی (قرن ۱۲ق)) / ماخذ: مجلس / تاریخ کتابت: - / جلد: ۲۶ / شروع صفحه: ۲۸۴ /

پایان صفحه: ۲۸۶)

دیوان جنونی اردبیلی

اطلاعات مجموعه:

در صفحات: ۲۸۴ تا ۲۸۶ / کد دستیابی کتاب: ۷۸۰۱ / شماره پیشین: [ثبت ۷۸۴۹۲] /

همه اطلاعات: (۷۸۰۱) / مجموعه / نستعلیق، بی‌کا، تا، عناوین شنگرف، جلد: تیماج،

قهوه‌ای ضرب، ترنج، ۸۰ برگ، ۱۰/۵×۱۹/۵ سانتی متر، ۱۶ سطر، [ثبت ۷۸۴۹۲] /

تمام معادات این مجموعه:

ماخذ کتاب کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی. جلد ۲۶ / در صفحات: ۲۸۴ تا

۲۸۶

ردیف کتاب: ۱ / زبان کتاب: فارسی / نام کتابخانه: کتابخانه مجلس شورای اسلامی (شماره

یک) / شهر: تهران / مؤلف: جنونی اردبیلی (قرن ۱۲ق) / موضوعات: شعر

توضیحات درباره مؤلف: وی در اشعار خود "جنونی" تخلص می‌کرده است. شاعر در

قصائد خود ائمه (ص) را مدح می‌کند و همچنین صاحب منصبان اردبیل را در عصر خود

می‌ستاید. در آن قطعه‌ای در مدح و تاریخ تولیت و تبریک علی‌نوروز، جهت محمدعلی

بیگ، متولی آستانه شیخ صفی اردبیلی سروده که تاریخش ۱۰۹۶ هجری می‌باشد و همچنین

قصائدی در ۱۰۹۸ و ۱۰۹۹ و ۱۱۰۷ق سروده شده است. همچنین قطعه‌ای از برادر خود

محمد شریف آورده که در مورد تخلص صاحب ترجمه سروده است و قطعه‌ای در تاریخ

آمدن نواب صفی‌خان به اردبیل در ۱۰۹۵ق انشاء نموده است.

بخش بندی: کلیات اشعار شاعر است مشتمل بر قصائد، غزلیات، رباعیات، ترجیع بندها و مخمسات

منابع دیگر: [الذریعه ۹/۲۰۶، منزوی ۳/۲۲۷۴].

آسیب دیدگی: نسخه حاضر از آغاز و انجام افتادگی دارد.

همه اطلاعات: ۱- دیوان جنونی اردبیلی (شعر- فارسی). از: جنونی اردبیلی (قرن ۱۲ق).

کلیات اشعار شاعر است مشتمل بر قصائد، غزلیات، ترجیع بندها، و مخمسات، وی در اشعار خود به "جزری" تخلص می کرده است. شاعر در قصائد خود، ائمه (ع) را مدح می کند و همچنین صاحب مدین اردبیل را در عصر خود می ستاید. در آن قطعه ای در مدح و تاریخ تولیت و تبریک اید در روز، جهت محمدعلی بیگ، متولی آستانه شیخ صفی اردبیلی سروده که تاریخش ۱۰۱۷ق می باشد و همچنین قصائدی در ۱۰۹۸ و ۱۰۹۹ و ۱۱۰۷ق سروده شده است. همچنین قطعه ای را برادر خود محمد شریفا آورده که در مورد تخلص صاحب ترجمه سروده است و قطعه ای را تاریخ آمدن نواب صفی خان به اردبیل در ۱۰۹۵ق انشاء نموده است. [الذریعه ۹/۲۰۶، منزوی ۳/۲۲۷].

نسخه حاضر از آغاز و انجام افتادگی دارد و در حواشی برکهان آن نسخه "جنگ نامه" شاعر به ترکی آمده است. که بعد از این معرفی می شود.

آغاز نسخه:

اگر دلم صله خواهد روم به مدح کسی

که در جهان کرم هست بی عدیل و نظیر

کلید گنج عنایت علی ولی الله

قسیم دوزخ و جنت امیر کل امیر

دهن به فاتحه بگشا "جنونی" از اخلاص

که دل زبان دعا شد به نیت تکبیر

انجام نسخه:

تاریخ عید قربان که جهت محمدعلی بیگ، متولی شیخ صفی‌الدین گفته شده است:

بنای کعبه کل در جهان گر کرد ابراهیم

کلیم الله عصر خود کند تعمیر دلها را

۱۱- محبین در نشریه پیام بهارستان: (د. ۲. س. ۱. ش. ۴) / تابستان ۱۳۸۸ چنین آمده است:

جنگ‌نامه:

زبان: ترکی / موصوفه: عربی-ترکی - قرن ۱۲ق- / نویسنده: جنونی اردبیلی (قرن ۱۲ق) / نوع

خط: نستعلیق / شماره نسخه: ۱/۲ - ۷۷ / (حاشیه برگ ۷۰-۸۰) /

همچنان که از مطالب موجود در کتابهای مهم و سایت معتبر آقا بزرگ، مبرهن است اطلاعات دقیقی راجع به زندگی، حیات و مرگ - موند در دست نیست البته در یکی از صفحات نسخه، مَهری با نام "عبداله بن محمد" وجود دارد که یقیناً نمی‌توان گفت نام اصلی صاحب دیوان یعنی جنونی اردبیلی است. ظاهراً اولین کسی که راجع به این ادیب شاعر کاتب، اطلاعاتی ارائه داده است شیخ آقا بزرگ تهرانی در کتاب ارزشمند الذریعه است. قابل ذکر است که جهت یافتن زندگینامه جنونی اردبیلی، نزدیک به ۵۰ تذکره دورانهای صفوی، قاجار و معاصر را بررسی کردیم اما متأسفانه جز در تذکره‌های متأخر چیزی نیافتیم.

ما ناگزیریم جهت دستیابی به خصوصیات روحی، اجتماعی و هنری جنونی اردبیلی به دیوان او مراجعه نماییم. در دیوان جنونی اردبیلی به چند تاریخ ذکر شده است:

۱- قصیده در مدح و تاریخ تولیت و نوروزی "آقای، محمدعلی بیگ متولی شیخ صفی‌الدین" که با این بیت شروع می‌شود:

دگر گردید بر خورشید تخت خسروی ماوا

دگر شد تازه حکم سال نور را از حمل طغرا

سال ۱۰۹۷

۲- قصیده: در تاریخ نوروزی "آقای، محمدعلی بیگ، متولی سلطان شیخ صفی‌الدین علیه‌الرحمه" که با این بیت شروع می‌شود:

عالم شرف یافت تا کرد ماوا

سلطان افلاک اسرج حمل را

سال ۱۰۹۸

۳- قصیده: در تعمیر بقعه شیخ صفی‌الدین به امر شاه سلطان حسین با سرکاری و نظارت

آقا حسین: سال ۱۱۰۷

۴- در بین یکی از قصائد: طاعون و وبا در اردبیل / سال ۱۰۹۷ه ق

۵- قطعه: در تاریخ بر اردبیل آمدن نواب صفی‌قلی‌خان / سنه ۱۰۹۵

۶- قطعه: در تاریخ عید نوروز که در وقت استقبال صفی‌قلی‌خان در ابهر گفته شد / سنه ۱۰۹۵

۱۰۹۵

۷- قطعه: در تاریخ فوت مادرش / سنه ۱۰۹۴

۸- رباعی: درباره شخصی با نام شیخ الاسلام / سنه ۱۰۹۹

به ترتیب، تاریخ‌های ۱۰۹۴، ۱۰۹۵ دو بار، ۱۰۹۷ دو بار، ۱۰۹۸، ۱۰۹۹، ۱۱۰۷ در بین اشعار جنونی اردبیلی ذکر شده است و نمایانگر این می‌باشد که جنونی در این سالها در حال حیات بوده است. بنا بر این، این شاعر در نیمه دوم قرن ۱۱ و اوایل قرن ۱۲ هجری می‌زیسته است.

در بالای صفحه ۳۲ دیوان جنونی، چنین عنوان شده است: کلیات دیوان جنونی تبریزی از شعرای عصر صفوی.

با توجه به خط این حاشیه نوشته که با خط متن اصلی کتاب متفاوت است به نظر می‌رسد فرد بیگن این مطلب را در آنجا قید کرده است. مرحوم سلطان القرائی در این دیوان، در چند جا نظر نویسنده به صورت حاشیه نوشته است به عنوان مثال، راجع به بیتي مرقوم کرده است: "این بیت به نایت نیکو افتاده است. شمیران- تهران، شب یازدهم رمضان ۱۳۸۴، سلطان القرائی." البته نام سلطان القرائی در نوشته‌های حاشیه، فقط در این مطلب به چشم می‌خورد- با توجه به همین مطلب و نام، احتمالاً این نوشته -انتساب جنونی به تبریز عزیز- نیز از نوشته‌های ایشان باشد.

با توجه به استناداتی که در اشعار جنونی آمده می‌توان اذعان کرد که این ادیب از اهالی شهر اردبیل بوده و از محله طابور و به عبارت صحیح‌تر از محله تابار یا تاوار - در بیان مردم اردبیل این محله به صورت تاوار تلفظ می‌گردد - - چنانکه این امر در بعضی از ابیات او نمود دارد:

ز اسلامم به دور افکند و طاعت شد فراموشم

به شهر اردبیل این خانه سردی که من دارم

و یا:

سحرگه هاتفی غیبی به گوشم این ندا در داد

که گردید اردبیل از عدل خان عدل‌دان آباد

نام اردبیل و القاب آن بارها در اشعار جنونی ذکر شده است و دلیلی می‌باشد برای اهل و ساکن اردبیل بودن جنونی، و اطلاعات فراوان و دقیق او درباره این شهر. اردبیل از دیرباز با القاب دارالامان و دارالارشاد مشهور بوده و جنونی چند بار در اشعارش، مثل بیت مذکور در بالا، دارالعدل (عدل آباد) را نیز جزو القاب این شهر آورده است:

کشیدم خویش را به سایه‌ی دیوار شمشیرش

حصار شعله را بر مشت خس دارالامان کردم

و یا:

از برق تیغ یار ز آسیب روزگار

سازم حصار، سرمای دارالامان کنم

همچنین:

تا کی کشی ز بهر فریسم کمان صلح

ای جنگجو بپند لب از دارالامان صلح

ویران شود چو ملک ستم دیده دم به دم

از چشم جنگجوی تسو دارالامان صلح

همچنین در مورد دارالارشاد و دارالعدل:

چرا بر خود نبالد اردیبهیل امروز از شادی

لقب بر دارالارشادش ز حق افزود عدل آباد